

آموزش ترجمه

شیوه ترجمه اسم مصدر

سمیه دل‌زنده‌روی

همچون شماره‌های قبل، در این شماره هم به بررسی شیوه ترجمه مقوله‌ای نحوی پرداخته‌ایم. این بار اسم مصدر^۱ را انتخاب کرده‌ایم. البته قرار نیست انواع اسم مصدر را بحث کنیم چون ترجمه اسم مصدر در فارسی بیشتر در مواردی چالش‌برانگیز می‌شود که اسم مصدر دارای فاعل باشد. در این مقاله، پس از ارائه بحثی کوتاه درباره اسم مصدر در انگلیسی و فارسی، به بررسی نمونه‌هایی از ترجمه اسم مصدر دارای فاعل در دو ترجمه غیرادبی پرداخته‌ایم تا بینم مترجمان حرفه‌ای چه الگویی در ترجمه اسم مصدر به کار گرفته‌اند. نمونه‌های مورد بررسی از دو کتاب تاریخ فلسفه غرب و تاریخ فلسفه با ترجمه نجف دریابندری و بهاء‌الدین خرمشاهی انتخاب شده‌اند.

۱. اسم مصدر در انگلیسی

در زبان انگلیسی به صورتی از فعل که با *ing* همراه است و در جایگاه اسم می‌نشیند اسم مصدر^۲ می‌گویند. اسم مصدر در انگلیسی، همچون همتای خود در فارسی، بر عمل تأکید دارد تا بر عامل. به دو جمله زیر دقت کنید^۳:

A. They bundle products together, which often results in higher consumer costs.

B. Bundling products together often results in higher consumer costs.

در جمله دوم، در مقایسه با جمله اول، تأکید بر عمل است تا بر عامل. بنابراین یک کارکرد اصلی اسم مصدر، مخصوصاً وقتی که در جایگاه آغازین جمله قرار می‌گیرد، تأکید بر عمل است. موضوع اسم مصدر در ترجمه از آن جهت مهم است که تأکید در بسیاری از موارد یک عنصر معنایی به حساب می‌آید و لذا بی‌توجهی به تأکید در ترجمه ممکن است به تغییر معنایی بیانجامد. البته اسم مصدر، از منظری گفتمانی، کارکردهای دیگری هم دارد.

^۱ Gerund

^۲ در زبان انگلیسی، مصدر صورت فعلی (to + verb) هم دارد.

^۳ مثال‌ها از کتاب «راهنمای نگارش» نوشته کلن و گری گرفته شده است.

نویسنده ممکن است کاملاً آگاهانه و هدفمند، با استفاده از صورت مصدری اسم به عملی اشاره کند بدون آن که عامل عمل را ذکر کند. در این مقاله به طور کلی به بحث درباره کارکرد کلامی اسم مصدر نمی پردازیم و فقط از منظری نحوی شیوه های مختلف ترجمه آن را بحث می کنیم.

همانطور که گفته شد، اسم مصدر در جایگاه اسم می نشیند، پس می تواند جایگاه های فاعل، مفعول، مکمل فاعل و بدل را اشغال کند. به مثال های زیر توجه کنید:
نقش فاعل:

a. **Her watering the plants every day** is not necessary.

نقش مفعول:

b. Her mother appreciates **her watering the plants every day**.

نقش مفعول حرف اضافه:

c. Her mother insists on **her watering the plants every day**.

نقش مکمل:

d. What her mother insists on is **her watering the plants every day**.

نقش بدل:

e. Her mother insists on one thing- **her watering the plants every day**.

همانطور که مشاهده می کنید، عبارت اسم مصدری هم می تواند خود فاعل داشته باشد مانند مثال های a تا c که **her** در آن ها فاعل است و هم می تواند بدون فاعل باشد، مانند مثال b. در این مقاله موضوع بحث را به نوع همراه با فاعل محدود کرده ایم زیرا این نمونه چالش بزرگ تری برای مترجم درست می کند. فاعل در عبارت های اسم مصدری می تواند قبل از اسم مصدر بیاید مانند **her** در مثال های a تا c یا **people** در جمله زیر:

f. I dislike **people asking** me personal questions⁴.

همچنین فاعل، همانگونه که در مثال های a تا c دیدیم، هم می تواند به صورت ضمیر ملکی باشد هم به صورت اسم خاص همراه با «'s»، مانند مثال زیر:

g. I'm fed up with **Sarah's laughing** at my accent.

⁴ مثال ها از کتاب Oxford Guide to English Grammar نوشته جان ایستوود گرفته شده است.

حال به موضوع ترجمه عبارات اسم مصدری فاعل دار می‌پردازیم. ترجمه تحت‌اللفظی مثال‌های فوق از این قرار است:

- a. آب‌دادن هر روزش به گیاهان ضرورتی ندارد.
- b. مادرش آب‌دادن هر روزش به گیاهان را تحسین می‌کند.
- c. مادرش بر آب‌دادن هر روز او به گیاهان تأکید می‌کند.
- d. آنچه مادرش بر آن تأکید می‌ورزد، آب‌دادن هرروز او به گیاهان است.
- e. مادرش بر یک چیز تأکید دارد- آب‌دادن هرروز او به گیاهان.
- f. از پرسیدن سوالات خصوصی مردم از من متنفرم.
- g. از خندیدن سارا به لهجه‌ام به ستوه آمده‌ام.

ترجمه‌های تحت‌اللفظی بالا هرچند به لحاظ دستوری جملات درستی هستند، ولی به لحاظ کاربردی جملات قابل‌قبولی نیستند. قطعاً شما هم به محض دیدن این جملات، صورت آشنا و قابل‌قبول آن‌ها را در ذهنتان بازنویسی کرده‌اید. مترجم فرضی ما که چنین ترجمه‌هایی می‌نویسد تحت تأثیر دو موضوع قرار دارد: یکی متن اصلی و دیگری این حقیقت که در زبان فارسی هم اسم مصدر وجود دارد و چنین نیست که مترجم با پدیده‌ای کاملاً غیرفارسی روبه‌رو شده باشد. ولی حقیقت این است که اگرچه اسم مصدر در هر دو زبان فارسی و انگلیسی وجود دارد، مثل بسیاری از مقولات دستوری دیگر از جمله جملات شرطی یا جملات مجهول، ولی این مقولات همه‌جا به‌جای هم به کار نمی‌روند، یعنی هر اسم مصدر انگلیسی در هر کجا که باشد لزوماً به اسم مصدر ترجمه نمی‌شود. ابتدا ببینیم زبان فارسی چه تعریف و کاربردی برای مصدر و اسم مصدر دارد و بعد از آن ببینیم مترجمان حرفه‌ای چگونه از قابلیت‌های زبان فارسی در ترجمه عبارات مصدری فاعل دار استفاده کرده‌اند.

۲. اسم مصدر در زبان فارسی

در زبان فارسی اسم مصدر به کلمه‌ای گفته می‌شود که «بر مفهوم عمل دلالت می‌کند، بی‌آنکه بر مفهوم زمان و شخص دلالت داشته باشد» (خوینی، ۱۳۹۲: ۲۱). این تأکید بر مفهوم عمل را در تعریف اسم مصدر در زبان انگلیسی نیز دیدیم. شاید به همین دلیل است که علی‌اشرف صادقی می‌گوید مصدر و اسم مصدر «رابطه نزدیک»ی با فعل دارند و «بسیاری از خصوصیات فعل در مصدر و اسم مصدر هم دیده می‌شود» (صادقی، ۱۳۵۰:

۳۰۶). به گفته خویی (۱۳۹۲:۲۲)، مهم‌ترین مباحث مربوط به اسم مصدر در کتب دستور زبان فارسی چهار بحث زیر است:

۱. اسم مصدر کلمه‌ای است دارای معنی مصدر که ساختمان آن با ساختمان مصدر متفاوت است.

۲. اسم مصدر در زبان فارسی ساخت‌های متفاوتی دارد.

۳. در ساختمان برخی از اسم مصدرها، بن فعل به کار رفته است که بعضی از نویسندگان دستور این ساخت‌ها را اسم مصدر نامیده‌اند، مانند کلمه روش.

۴. در ساختمان برخی دیگر بن فعلی وجود ندارد، بلکه این ساخت‌ها از صفت یا اسم + وند ترکیب یافته‌اند که به آن **حاصل مصدر** می‌گویند، مانند کلمه بزرگی.

مصدر و اسم مصدر در فارسی، مانند انگلیسی، می‌تواند مثل هر اسم دیگری «دارای مضاف‌الیه و صفت و کلیه وابسته‌های اسم باشند و در کلیه نقش‌هایی که سایر اسم‌ها دارند به کار روند» (صادقی، ۱۳۵۰: ۳۰۹). در اینجا بحث را به دو ساخت مفعول‌دار و فاعل‌دار محدود می‌کنیم.

الف: ساخت مفعول‌دار. بنا به طبقه‌بندی صادقی (۱۳۵۰: ۳۱۰) در فارسی مصدر و اسم مصدر لازم و متعدی داریم. مفعول اسم مصدر متعدی می‌تواند به سه صورت زیر بیاید:

الف) مضاف‌الیه: خوردن غذا، انجام کار

ب) بلافاصله قبل از آن با «را» یا بدون «را» قرار گیرد: گوسفند (را) کشتن

پ) به وسیله «را» وقتی که فاعل به صورت مضاف‌الیه بعد از مصدر یا اسم مصدر آمده باشد که در این مورد مفعول بعد از فاعل می‌آید. این کاربرد البته در متون قدیمی دیده می‌شود: نگاه‌داشتن هریک از ایشان اجامر و اوباش را.

ب. ساخت فاعل‌دار. فاعل اسم مصدر در فارسی به دو صورت می‌آید (همان، ۳۱۱):

الف) اگر مفعول رائی همراه مصدر یا اسم مصدر باشد، فاعل به صورت مضاف‌الیه به آن وابسته می‌شود: کشتن رستم سهراب را. این مورد کاربردی قدیمی دارد و در متن‌های امروزی چنین ساختی دیگر به کار نمی‌رود. اگر مصدر و اسم مصدر مفعول رائی نگیرد، مفعول با حرف اضافه می‌آید: دیدار پزشک از مریض، رفتار حسن با برادر خود. این ساخت را در متون مختلف بسیار دیده‌ایم.

صادقی این نکته را گوشزد می‌کند که «آوردن فاعل به تنهایی به صورت مضاف‌الیه نادرست است» چون ابهام ایجاد می‌کند. به این مثال توجه کنید: «دیدن دیگران معتبر نیست، دیدن خود انسان مهم است.» در اینجا معلوم نیست منظور «دیگران را دیدن» است یا «دیگران بقیه را دیدن». در صورتی که اگر مصدر و اسم مصدر لازم باشند، به گفته صادقی فاعل «همیشه به صورت مضاف‌الیه می‌آید»: مرگ حسن، پرواز پرندگان.

ب) وقتی مفعول به صورت مضاف‌الیه آمده باشد، فاعل با یک حرف اضافه نظیر از، به وسیله و غیره می‌آید» کشتار گوسفندان به دست قصاب.

از بحث بالا می‌توان چنین نتیجه گرفت که در زبان فارسی در صورتی که مصدر و اسم مصدر متعدی باشند، فاعل بیشتر با یک حرف اضافه به صورت مضاف‌الیه می‌آید و در صورتی که لازم باشند بی‌هیچ واسطه‌ای به صورت مضاف‌الیه پس از مصدر و اسم مصدر قرار می‌گیرند. نتیجه دیگر این است که در فارسی از عبارات مصدری بلند پرهیز می‌شود چون اغلب باعث می‌شود بین فاعل و فعل جمله فاصله زیادی ایجاد کند و فهم جمله را سخت کند.

با توجه به مطالب گفته شده در قسمت بعد نگاهی می‌اندازیم به روش‌هایی که مترجمان حرفه‌ای برای عبارت مصدری فاعل دار به کار گرفته‌اند.

۳. مترجمان حرفه‌ای و اسم مصدر

ابتدا ترجمه نجف دریابندری از کتاب *فلسفه غرب* نوشته برتراند راسل را بررسی می‌کنیم. شایان ذکر است که در این ترجمه ما تنها نمونه‌های فاعل دار اسم مصدر را جستجو کردیم، اعم از این که اسم مصدر در مقام فاعل باشد یا مفعول یا متمم. فاعل این نمونه‌ها اغلب ضمیر ملکی هستند چون چنین ترکیب‌هایی کمتر در فارسی به کار می‌رود.

1. It is used to say that Greeks were saved from a religion of the Orient type by their having no priesthood (Russell, 1947: 41).

معمولاً می‌گویند یونانیان بدان سبب از نوع شرقی دین ایمن ماندند که طبقه روحانی نداشتند (دریابندری، ۱۳۸۸: ۳۲). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله

2. What I mean is that the virtues of the magnanimous man largely depend upon his having an exceptional social position (Russell, 1947: 199).

منظورم این است که فضائل انسان بزرگوار بیشتر به داشتن مقامی کم نظیر در جامعه وابسته اند (دریابندری، ۱۳۸۸: ۱۴۷). تبدیل اسم مصدر به اسم مصدر و حذف فاعل به قرینه معنوی

3. Even then, as soon as there exists a large class of rich men who are not noble, they have to be admitted to power for fear of their making a revolution (Russell, 1947: 213).

حتی در آن صورت نیز همین که طبقه وسیعی از ثروتمندان بی اصل پدید آمد باید آنان را در دولت شرکت داد تا مبادا دست به انقلاب بزنند (دریابندری، ۱۳۸۸: ۱۵۷). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله

4. The explanation of their not noticing it is that, like many other people they had two systems of ethics (Russell, 1947: 291).

توجیه اینکه چرا خود آنان متوجه این تناقض نشده اند این است که رواقیان نیز مانند بسیاری از دیگران دارای دو دستگاه اخلاقی هستند (دریابندری، ۱۳۸۸: ۲۱۴). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله

5. In later times, the first of these was most emphasized by Catholics, and the second by Protestants, but in St. Augustine both exist equally without his having any sense of disharmony (Russell, 1947: 366).

در زمان های متأخر کاتولیک ها برای قسمت اول و پروتستان ها برای قسمت دوم اهمیت بیشتری قائل شدند، ولی در آثار اگوستین قدیس هر دو قسمت برابری، بی آنکه وی در این میانه احساس ناهماهنگی کند (دریابندری، ۱۳۸۸: ۲۷۰). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله

6. ... but none of his reasoning of the solstices, nor equinoxes, nor eclipses, nor whatever of this kind I had learned in books of secular philosophy was satisfactory to me (Russell, 1947: 368).

اما هیچ یک از این استدالات وی درباره اعتدالات و انقلابات فصلی و خسوفات و کسوفات و این قبیل امور که من از مطالعه کتب دنیوی آموخته بودم در نظرم درست نیامد (دریابندری، ۱۳۸۸: ۲۷۲). تبدیل اسم مصدر به اسم مصدر به همراه فاعل در مقام مضاف الیه

7. ... his being regarded as a martyr to Arian persecution- a view which began two or three hundred years after his death (Russell, 1947: 392).

مقداری از شهرت بوئیتوس در قرون وسطی از این جهت است که او را شهید دست آریوسیان می‌دانستند و این تصور در حدود دویست تا سیصد سال پس از مرگ او پدید آمد (دریابندری، ۱۳۸۸: ۲۹۱). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله

8. But the priest was killed by the ceiling of **his room's falling** on him (Russell, 1947:399).

اما آن کشیش در زیر آوار خانه خود کشته شد (دریابندری، ۱۳۸۸: ۲۹۶). تبدیل اسم مصدر به اسم به همراه فاعل در نقش مضاف‌الیه

9. The manner of **his acquiring** the papacy however was too scandalous to be passed over (Russell, 1947: 432).

اما طرز رسیدنش به مقام پاپی رسواتر از آن بود که فراموش گردد (دریابندری، ۱۳۸۸: ۳۱۹). اسم مصدر به اسم مصدر ترجمه شده و ساخت و نقش تغییر نکرده است. در اینجا مانند زبان انگلیسی فاعل به صورت ضمیر متصل ملکی آمده است.

10. He was burnt, and his ashes were thrown into the Tiber, for fear of **their being preserved** as holy relics (Russell, 1947: 453).

او را سوزاندند و خاکسترش را در رودخانه تیبر ریختند تا مبادا مردم آن را به عنوان آثار مقدس نگه‌دارند (دریابندری، ۱۳۸۸: ۳۳۴). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله. همچنین در اینجا ساخت مجهول اسم مصدر به ساخت معلوم تبدیل شده است.

11. His quarrel with the king of France became so bitter that the king sent a force to arrest him, with a view to **his being deposed** by a General Council (Russell, 1947: 503).

جدالش با پادشاه فرانسه به قدری شدید شد که پادشاه نیرویی برای دستگیر ساختن او فرستاد و در نظر داشت که با فتوای یک شورای عمومی او را از مقام پاپی منعزل کند (دریابندری، ۱۳۸۸: ۳۶۸). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله. در اینجا نیز ساخت مجهول اسم مصدر به ساخت معلوم تبدیل شده است.

12. Most philosophers since Descartes have attached importance to the theory of knowledge, and **their doing** so is largely due to him (Russell, 1947: 586).

اکثر فلاسفه پس از دکارت برای نظریه معرفت اهمیت قائل شده‌اند و سبب عمده این امر دکارت است (دریابندری، ۱۳۸۸: ۴۳۰). تبدیل اسم مصدر به عبارت اسمی و حذف فاعل به قرینه معنوی

13. This at least suggests a way out of an apparent inconsistency in Locke, consisting in **his sometimes representing** the state of nature as one where everyone is virtuous and at other times discussing what may rightly be done in a state of nature to resist the aggressions of wicked men (Russell, 1947:651).

این نکته حداقل راهی برای احتراز از تناقض نظریه لاک نشان می‌دهد و آن تناقض این است که وی گاهی وضع طبیعی را حالتی نشان می‌دهد که در آن همه دارای تقوا و فضیلت هستند و گاهی از این بحث می‌کند که در وضع طبیعی چه عملی برای مقاومت در برابر تجاوز بدکاران می‌توان انجام داد که صحیح باشد (دریابندری، ۱۳۸۸: ۴۷۴). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله

14. Philonous maintains that, as regards sensible things, their reality consists in **their being perceived**; but he does not tell us what he means by perception (Russell, 1947: 680).

فیلونوس مدعی است که واقعیت اشیای محسوس همانا ادراک شدن آن‌هاست؛ اما نمی‌گوید که منظورش از ادراک چیست (دریابندری، ۱۳۸۸: ۴۹۶). حفظ ساختار انگلیسی در زبان فارسی؛ به کار بردن مصدر مجهول به اضافه فاعل به شکل ضمیر

15. ... and sees no objection to **their suffering** if it is necessary for the production of a great man (Russell, 1947:790).

... و مانعی نمی‌بیند که برای پدید آمدن یک مرد بزرگ اگر لازم باشد این مردم رنج بکشند (دریابندری، ۱۳۸۸: ۵۶۹). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله

16. We are not surprised at his saying that an image can be without **being perceived** (Russell, 1947: 838).

در شگفت نمی‌شویم که از زبان برگسون بشنویم که تصویر می‌تواند بدون مُدرک واقع شدن وجود داشته باشد (دریابندری، ۱۳۸۸: ۶۰۱). تبدیل اسم مصدر به فعل؛ تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله

همانطور که در نمونه‌های بالا مشاهده می‌کنید دریابندری تمایل دارد ترکیبات و عبارات اسم‌مصدری را به جمله تبدیل کند و درواقع اسم مصدر را در مقام فعل بیاورد. از شانزده مورد در کل کتاب وی چهارده مورد را به جمله تبدیل کرده است. در ادامه به بررسی روش کار بهاءالدین خرمشاهی از جلد هشتم کتاب تاریخ فلسفه می‌پردازیم.

1. ... a use which was encouraged by **his reading** of Samuel Clarke and other writers (Copleston, 1994: 100).

مطالعه او در آثار سمیوئل کلارک و سایر پژوهندگان او را به چنین استفاده‌ای علاقه‌مند ساخت (خرمشاهی، ۱۳۷۰: ۱۱۸). حفظ ساخت اسم مصدر و آوردن فاعل به صورت مضاف‌الیه بعد از اسم مصدر

2. And this theory, together with his defense of determinism led to **his being described** as a materialist (Copleston, 1994: 106).

این نظریه همراه با دفاعش از جبر، حاکی از ماتریالیست بودن او بود (خرمشاهی، ۱۳۷۰: ۱۲۴). در این ترجمه مترجم معنی اسم مصدر در متن اصلی را در قالب اسم «حاکی» در فارسی آورده است هرچند که به لحاظ معنایی کمی از مقصود متن اصلی دور می‌شویم. وی در عوض ساخت اسم مصدر + فاعل را در «ماتریالیست بودن او» به کار برده است.

3. For example a law determining the minimum age at which children can be sent to work removes an obstacle to **their receiving education** (Copleston, 1994: 177).

فی‌المثل قانونی که حداقل سن کار را برای کودکان تعیین می‌کند مانعی را که بر سر راه آموزش و پرورش‌شان هست برطرف می‌سازد (خرمشاهی، ۱۳۷۰: ۱۹۸). اسم مصدر به همراه فاعل آن به صورت اسم مصدر به همراه فاعل (ضمیر ملکی متصل) ترجمه شده است.

4. ... and the encouragement which he received resulted in **his entering** Johns Hopkins University in 1882 (Copleston, 1994:352).

و بر اثر تشویق‌هایی که از بابت این مقاله شنید در سال ۱۸۸۲ وارد دانشگاه جانز هاپکینز شد (خرمشاهی، ۱۳۷۰: ۳۸۵). تبدیل اسم مصدر به فعل

5. And as much care should be devoted to their framing as is devoted to **their framing** of scientific hypotheses (Copleston, 1994: 371).

و تعیین حدود و ثغور آن‌ها باید با همان دقت و احتیاطی که در مورد فرضیه‌های علمی صورت می‌گیرد، انجام گیرد (خرمشاهی، ۱۳۷۰: ۴۰۵). اسم مصدر به همراه فاعل آن به صورت اسم مصدر به همراه فاعل (ضمیر) ترجمه شده است.

6. Considerable importance is attached by Russell to **his becoming acquainted** with Giuseppe Peano at an international congress at Paris 1900 (Copleston, 1994: 428).

راسل برای آشناسدش با کار جوزپه پئانو (۱۸۵۸-۱۹۳۲)، ریاضیدان ایتالیایی، در کنگره بین‌المللی در پاریس، در سال ۱۹۰۰، اهمیت بسیاری قائل است (خرمشاهی، ۱۳۷۰: ۴۶۵). تبدیل اسم مصدر به مصدر به همراه فاعل به صورت ضمیر ملکی

7. Russell's insistence on studying language in the context of human life is doubtless largely responsible for **his introducing** a number of perhaps somewhat confusing psychological considerations (Copleston, 1994: 464).

اصرار راسل در مطالعه زبان، در زمینه حیات بشری، بی‌شک عمدتاً باعث این است که تعدادی از ملاحظات روانشناختی که شاید تا حدی اختلال‌انگیزند به میان کشیده شود (خرمشاهی، ۱۳۸۸: ۵۰۲). تبدیل اسم مصدر به فعل

8. The analytic philosophers might, of course, reply that it is simply a question of **their being prepared** to give the metaphysician a hearing instead of barring the way in advance to all dialogue and mutual understanding (Copleston, 1994: 509).

البته ممکن است فیلسوفان تحلیلی پاسخ دهند که آنچه مطرح است مسئله آمادگی آن‌هاست برای گوش‌فرادادن به سخنان متافیزیسن به جای آنکه پیشاپیش راه گفت‌وگو و تفاهم متقابل را ببندند (خرمشاهی، ۱۳۷۰: ۵۴۹). اسم مصدر به همراه فاعل آن به صورت اسم مصدر به همراه فاعل (ضمیر) ترجمه شده است.

9. We all have a practical belief in the objective existence of external objects independently of **their being perceived** by us (Copleston, 1994: 511).

همه ما اعتقاد عملی داریم به اینکه اعیان خارجی، مستقل از اینکه به درک ما درآیند، وجود عینی دارند (خرمشاهی، ۱۳۷۰: ۵۵۱). در اینجا ساخت مجهول اسم مصدر در انگلیسی به ساخت معلوم اسم مصدر در فارسی تبدیل شده اما همچنان ساخت اسم مصدر + فاعل را در فارسی داریم.

همان‌طور که در ترجمه‌های خرمشاهی دیدیم، ایشان گرایش به حفظ ساختار مبدأ دارند و بنابراین در شش مورد از کل موارد یافت‌شده اسم مصدر را به همان اسم مصدر در فارسی ترجمه کرده و فاعل را به صورت ضمیر یا متصل یا به حالت مضاف‌الیه آورده‌اند. تبدیل اسم مصدر به فعل هم که پیش از این در ترجمه دریابندری زیاد به کار رفته بود در اینجا هم در دو مورد به کار رفته است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی شیوه‌های ترجمه اسم مصدر فاعل‌دار پرداختیم و برای اینکه بینیم زبان فارسی چه ظرفیت‌هایی برای ترجمه این مقوله در اختیار ما قرار می‌دهد، ترجمه دو مترجم حرفه‌ای را بررسی کردیم. موارد انتخاب شده از کتاب‌های غیر ادبی در زمینه فلسفه غرب بود که دریابندری و خرمشاهی ترجمه کرده‌اند. به طوری که نتایج نشان داد، زبان فارسی دو شیوه ترجمه اسم مصدر در اختیار مترجم قرار می‌دهد و مترجمان برحسب سبک خود می‌توانند یکی از آن دو را انتخاب کنند: یکی تبدیل عبارت اسم مصدری به جمله و تبدیل اسم مصدر به فعل است که در ترجمه دریابندری بسیار دیده شد. و دیگری حفظ ساخت اسم مصدر+ فاعل در نقش مضاف‌الیه که در کار خرمشاهی زیاد به چشم می‌خورد.

کتابنامه

- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۰). *تاریخ فلسفه؛ از بتام تا راسل*. جلد هشتم. سروش: تهران.
- خوینینی، عصمت. (۱۳۹۲). «نوعی اسم مصدر در زبان فارسی». *نامه فرهنگستان*. ش. ۹، صص ۲۰-۳۲.
- دریابندری، نجف. (۱۳۸۸). *تاریخ فلسفه غرب و روابط آن با اوضاع سیاسی و اجتماعی از قدیم تا امروز*. برگرفته از <http://pdf.tarikhema.ir>
- صادقی، علی اشرف (۱۳۵۰). «مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر». *راهنمای کتاب*. سال ۱۴، ش. ۴ و ۵ و ۶. صص. ۳۰۶-۳۱۳.
- Copleston, F. (1994). *A History of Philosophy, Modern Philosophy: Empiricism, Idealism, and Pragmatism in Britain and America*. V. VIII. Doubleday: USA, NY.
- Eastwood, J. (1994). *Oxford Guide to English Grammar*. UK, Oxford: Oxford University Press.
- Frank, M. (). *Modern English: Exercises for Non-Native Speakers (II)*. Prentice Hall: USA, NY.
- Russell, B. (1947). *History of Western Philosophy and its Connection with Political and Social Circumstances from the Earliest Times to the Present Day*. Unwind Brothers: Great Britain.
